



آیت الله مشکینی



خسرتیستم

بخل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیامبر اکرم (ص):
خصلتان لا تجتمعان فی مسلم البخل وسوالخلق

دو صفت است که در مسلمان جمع نمی شود
یکی صفت بخل و دیگری بداخلاقی

سلط بر صفات و اخلاق خود باشد . و هر
انسان عاقلی می تواند بدترین صفت را به
تدریج و با کوشش از خود دور کند و از
صفحه قلبش بزدايد و این صفت - بخل -
هم از آن صفاتی است که انسان باید بکوشد
آن را از خود زائل نماید .

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود:

”خِصْلَتَانِ لَا تَجْتَمِعَانِ فِي مُسْلِمٍ“

میشود که در موارد لازم هم حاضر به گذشت
نیست . و این یکی از اوصاف پلیدی است که
در نفس انسان است . و این صفت گاهی
در خلقت و سرشت انسان پیدا میشود .
یعنی بدون اختیار در انسان خلق شده
است ، و گاهی هم در اثر تربیت پدر و مادر
و محیط در انسان بوجود می آید .
خداوند به انسان نیروئی داده است که

بخل عبارت از این است که انسان حاضر
نباشد از دارائی ، ثروت و مقام خود در هیچ
راهی ولو اینکه اسلام دستور داده باشد ،
صرف نظر کرده و رفع بد نماید . و به
عبارت دیگر این صفتی است که انسان را از
بذل مال و دارائی خود - هر چند کم باشد -
منع میکند و آنچنان مسک و نگهدارنده

"البخلُ و سُوءُ الخلقِ"

دو صفت است که در مسلمان جمع نمیشود: یکی صفت بخل و دیگری بداخلاقی. مؤمن نمیشود این دو صفت را داشته باشد یعنی اگر دارای این صفتها باشد یا اینکه هیچ ایمان ندارد و یا هم در ایمان و نقیصه هست، زیرا بخل سبب میشود که انسان به گناهان زیادی گرفتار شود.

روایت دیگری از حضرت رسول (ص) است که فرمود: یا علی با سه طایفه مشورت مکن ۱- ترسو ۲- بخیل ۳- حریص به مال و جاه دنیا.

این سه طایفه افرادی هستند که قابلیت شور ندارند، پس اگر انسان بایک نفر بخیل طرف مشورت قرار بگیرد، طوری رأی خواهد داد که به ضرر مشورت کننده تمام خواهد شد، زیرا ممکن است انسان بخواهد در راهی قدم بردارد که ناگزیر باید از مال، جان، اولاد و مقام و لذات دنیوی بگذرد و اگر طرف شور بخیل باشد، قهراً جلو گیری خواهد کرد و آن سعادت را از دست انسان خواهد گرفت. و این به تجربه ثابت شده و بسیار اتفاق افتاده است که انسانی بوسیله مشورت از یک کار خوب و با ثمر منصرف شده و پس از مدتی فهمیده است که آن شخصی که با او مشورت کرده روی غریزه ترس یا بخل یا حرصی که داشته اظهار نظر کرده است و آن شخص مشورت کننده را از راه مستقیم منحرف نموده است.

منشأ بخل

از روایات استفاده میشود که منشأ اصلی بخل، سوء ظن بخدا است و گاهی ممکن است خود بخیل هم نداند که منشأ بخلش بدگمانی به الله است زیرا آن هنگام که خدا

به او دستور می دهد که باید از اموال خود در راه خدا بذل کنی او این فرمان را اطاعت نمی کند برای اینکه می ترسد اموالش تمام شود. اگر او واقعاً به خدا بدگمان نبود می دانست که همان خدائی که از اول این پول را به او داد، قادر است که آن پول را بستاند و یا اینکه اگر در راه خدا انفاق کرد، خدا هم به او نظر لطف کرده و پول را برمی گرداند و گاهی چند برابر آن پول را به او میدهد.

هر گاه انسان مطمئن شد که خدا رزاق است و روزی به دست او است و خدا وعده داده است که اگر کسی در راه او انفاق کند در دنیا و آخرت چند برابر به او می دهد، با این وعده های الهی، جایی برای بخل و ورزیدن نمی ماند چه در مال و چه در مقام و ...

بنا بر این ریشه بخل برمی گردد به بدگمانی به پروردگار و شناختن خدا و اعتناء نکردن و یا باور نکردن وعده های الهی و این از بدترین حالات و اوصاف است.

مصادیق بخل

۱- در روایات مصادیقی برای بخل ذکر شده است. مثلاً اولین مرحله بخل عبارت از بخل ورزیدن در انجام واجبات الهی است. و این اولین و مهمترین بخلی است که شرعاً هم حرام است. چنانچه در روایت آمده است که:

"أَبْخُلُ النَّاسُ مِنْ بَخْلِ بِمَا قَرَضَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ"

بخیلترین مردم کسی است که به آنچه خدا بر او واجب و لازم دانسته و بر عهده او گذاشته بخل ورزد و اعمال و فرایضش را انجام ندهد.

۲- رسول خدا فرمود:

"إِنَّ أَعَجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ مِنَ الدُّعَاءِ"

"وَأَنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ" (۱)

ناتوان ترین مردم کسی است که از دعا کردن عاجز باشد و بخیلترین مردم کسی است که در سلام کردن بخل ورزد. همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود:

رتال جامع علوم انسانی

ریشه بخل بر میگردد به بدگمانی

به پروردگار و شناختن خدا

و باور نکردن وعده های الهی

و این از بدترین حالات و اوصاف

است.

"الْبَخِيلُ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ".

در این روایت یکی دیگر از مصادیق بخیل ذکر شده است ، و او کسی است که در سلام کردن بخل می‌ورزد ، و هیچ وقت در سلام سبقت نمی‌گیرد بلکه همواره منتظر است مردم به او سلام کنند و او جواب بگوید یا اینکه از جواب سلام دادن هم سستی و تنبلی بکند .

۳- پیامبر گرامی (ص) می‌فرماید :

"الْبَخِيلُ مَنْ ذَكَرْتُ عَنْدَهُ فَلَمْ يُحِلِّ عَلَيَّ"

بخیل کسی است که نام مرا بشنود و بر من درود نفرستد . بنا بر این کسی که نام حضرت رسول (ص) را بشنود و صلوات نفرستد یکی از بخیلان به شمار می‌آید . و کوتاه سخن اینکه بخل منحصر به امور مادی و اموال نمیشود بلکه بخل ورزیدن در بسیاری از امور معنوی نیز صدق می‌کند ، که سه مورد آن را ذکر کردیم .

نتیجه بخل

از امام باقر (ع) نقل شده است که : اگر کسی در موارد انفاق خودداری کند و بخل ورزد ، در آینده گرفتار خواهد شد و چند برابر آن را درجائی که خدا راضی نیست مصرف خواهد کرد و هیچ اجر و مزدی نیز نخواهد یافت .

گویا حضرت می‌فرماید که عاقبت بخیل چنین است . و بسیار دیده شده است کسانی که اموالشان را در راهی که مورد رضای الله و سعادت خودشان و حیات بخشیدن به جامعه است مصرف نمی‌کنند و گذشت ندارند سرانجام ناچار میشوند که چند برابر آن اموال را در راه‌های باطل و بیپوده صرف کنند . و چه بسا انفاق افتاده است که افراد بخیل اموال زیادی را با خون دل

جمع کرده‌اند و دیگران با دزدی و تقلب از آنها گرفتارند یا اینکه پس از مرگشان خویشان آنها بر آن اموال مسلط شده و در موارد گناه مصرف نموده‌اند .

علاج بخل :

کسی که خدای نکرده در خودش چنین غریزه پلیدی را احساس می‌کند باید فوراً در صدد اصلاح خود برآید و این صفت پلید و زشت را از خودش دور کند . همچنانکه اگر انسان دچار مرض خطرناکی شد - بسا حکم عقل - فوراً به طبیب مراجعه می‌کند و تلخی داروها را و گاهی رنج جراحی را برای رهایی از مرض تحمل می‌کند . در این مرض نشانی نیز باید بی‌درنگ به معالجه خود بپردازد .

آیات زیادی در این مورد داریم ، از جمله آیه ۲۶۸ از سوره بقره که می‌فرماید :

"الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِالْفَقْرِ وَ يَأْمُرُونَ"

"بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَغْفِرَةً مِّنْهُ"

شیطان به شما وعده فقر می‌دهد و امر به فحشا می‌کند و خداوند به شما وعده آموزش و احسان می‌دهد .

آری ! هر گاه انسان میخواهد از اموال و دارائی و سایر موارد انفاق ، در راهدش گذشت کند ، ناگهان چیزهایی در قلبش خطور می‌کند که اگر امروز انفاق کردی فردا بیچاره میشوی ، فرزندانت گرسنه میمانند ، کسی به تو کمک نخواهد کرد و خلاصه این وسوسه‌های شیطانی - همانطور که قرآن می‌فرماید - بر انسان عارض میشود و شیطان وعده فقر می‌دهد یعنی در دل انسان القا می‌کند که خودت نیازمندی ! انفاق مکن ! و از آن طرف امر به فحشا می‌کند و انسان را به کارهای زشت و امیدارد . ولی در مقابل

خدا به شما وعده آموزش و مغفرت و احسان می‌دهد یعنی خدا به شما می‌گوید :

اموال خودتان را در راه من انفاق کنید و من با احسان خودم جبران خواهم کرد ، و گناهان شما را هم خواهم آمرزید . و لذا در روایت دارد که در این آیه دو چیز از شیطان ذکر شده و دو چیز از الله : شیطان وعده فقر می‌دهد و دستور گناه‌های خداوند هم آموزش گناهان را وعده می‌دهد و هم برکردن جای آنچه را که در راه او بخشش کرده‌اید .

از روایتی چنین استفاده میشود که : در قلب انسان دو درجه است . از یک درجه‌ای فرشته‌ها الهاماتی بر قلب انسان وارد میسازند و مطالب صحیحی در قلب القا می‌کنند . و در مقابل درجه‌ای است که شیطان از آن درجه وسوسه‌ها و القائاتی می‌کند . از جمله این وسوسه‌ها همین است که در مواظبتی به او وعده فقر می‌دهد و در مواردی تحریص به گناه می‌کند .

بنا بر این صفتی که در مقابل سخاوت است ، صفت پلید بخل است . به همان اندازه که سخاوت در پیشگاه خدا و در میان مردم خوب و مطلوب است ، صفت بخل ناپسند و مورد تنفر مردم است . همانگونه که در بحث سخاوت ذکر کردیم که در روایت دارد : سخاوتمند به خدا و بهشت و مردم نزدیک است ، همچنین بخیل دور از الله و دور از بهشت و مردم است . یعنی هم خدا انسان بخیل را دشمن می‌دارد و هم بخیل در نتیجه کارهایی که انجام میدهد از بهشت دور است و هم اینکه جامعه برای او ارزشی قائل نیست .